

بسم الله الرحمن الرحيم

راهکارهای نهادینه سازی حیا و عفت در جامعه نوین اسلامی

شیبا مه پیکر^۱

چکیده

یکی از ارزش های اخلاقی مورد تأکید در شریعت اسلام، حیا و عفت است. عفت در اصطلاح به ملکه ای گفته می شود که قوه شهوت انسان را نزد عقل رام می کند. در آیات و روایات نسبت به این مسئله توجه خاصی صورت گرفته است و این نشان دهنده اهمیت آن است. زیرا بدون آن، انسان از مسیر اعتدال خارج شده و به سوی فساد و تباهی می رود. به همین دلیل نهادینه سازی عفت و حیا در جامعه اسلامی بسیار حائز اهمیت است. برای نهادینه ساختن عفت در جامعه می توان به مسائلی مانند کنترل کردن نگاه، رعایت پوشش مناسب، چگونگی برقراری ارتباط با نامحرم، اجتناب از آرایش و زینت کردن برای نامحرم و رعایت تقوا و پرهیزکاری اشاره نمود. این نوشتار با بهره گیری از روش توصیفی تنظیم شده و هدف آن یافتن پاسخ این سؤال است که عفت و حیا به چه معنا هستند و راهکارهای نهادینه سازی آن در جامعه چیست؟ نتایج حاصل از این پژوهش را می توان چنین بیان نمود که برای ایجاد عفت در جامعه، افراد باید در نحوه برقراری ارتباط با نامحرم از جوانب مختلفی اعم از پوشش، گفتار و رفتار دقت ویژه ای داشته باشند.

کلیدواژه ها:

آرامش معنوی، استحکام خانواده، پوشش مناسب، جامعه سالم، حیا، عفت.

^۱ شیباه مه پیکر، سطح ۲، حوزه علمیه حضرت زهراء رمشک.

مقدمه

عفت از جمله فضائل است که از جنود عقل بوده و مانع از غلبه خواسته های نفسانی و موجب ظهور دینداری در آن سان می شود. عفت به معنای حیا، چشم پوشی و پرهیزکاری است که اصل و ریشه حجاب به معنای رعایت پوشش شرعی است. از این رو می توان ادعا کرد که حجاب در معنای اصطلاحی آن میوه عفاف درونی زن است. قرآن کتاب هدایت و راهنمای بشر است که برنامه سعادت انسان در آن ارائه شده است. با رجوع به آیات آن و فهم مطالب و عمل به دستوراتش؛ می توان راه کمال را پیمود و به فلاح و رستگاری رسید.

یکی از بحث هایی که در آیات هدایت گر قرآن بیان شده است رعایت عفت و حیا و حجاب است و توجه به آثار و رهاوردهای آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان است. قرآن کریم این مباحث را در عرصه های مختلف بیان کرده است که تحقق این امر از سوی فرد و جامعه نیازمند اجرای تربیت صحیح در خانواده می باشد.

در ضرورت پرداختن به این موضوع می توان گفت که انسان متجدد این عصر به رغم پیشرفت های شگفت انگیز خود، در زمینه علوم و فناوری و برقراری نظام پیچیده اجتماعی، نه تنها نتوانسته است در مسیر کمال و سعادت انسانی پیش برود بلکه با بحران های بزرگ تری نیز، مواجه شده است. یکی از این بحران ها مشکلات در زمینه اخلاق و معضل کم رنگ شدن عفاف و حجاب در جامعه است که به صورت گسترده، جوامع را تحت تاثیر خود قرار داده است. البته جامعه اسلامی نیز از این مشکلات بی نصیب نمانده است.

آزادی بی حد و حصر انسان، او را در زندان طبیعت و عوارض شوم بی بند و باری گرفتار ساخته و توانایی خروج از آن گرداب را از او گرفته است. دین اسلام از چهارده قرن پیش پرچم دار آزادی و حریت بشر بوده و به عنوان کامل ترین ادیان الهی، در هر زمینه راهکارهای بنیادین و زیر بنایی ارائه می نماید. لازم است جامعه اسلامی از منبع غنی قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام بهره گیرد و با عملی کردن دستورات دین در اجتماع، جامعه ای پاک و سالم پدید آورد. باید توجه داشت وجود چنین مدینه فاضله ای می تواند با رعایت دستورات الهی، تحقق عینی پیدا کند. نبود عفاف و حجاب در جامعه، مشکلات بسیاری را برای اجتماع به ارمغان می آورد و ممکن است تا جایی پیش

برود که ریشه آن اجتماع پوسیده شود و نابود گردد و انسان به جای عروجش به حدّ اعلای انسانیت، از حدّ حیوانیت نیز پا فرو نهاده و در منجلاّب فساد غوطه ور شود.

به همین جهت رسالت عالمان نیز حسا تر شده و باید در صدد تبیین جایگاه عفاف و حجاب و حیا در اجتماع شوند و با استفاده از قرآن کریم و متون دینی، جامعه اسلامی را از خطر عظیم بی حیایی و بی حجابی برهانند؛ عوامل موثر در ایجاد عفت و پاکدامنی در رابطه فرد و اجتماع ارائه دهند و با ارائه الگوها و نمونه های کامل عفت و حیا مردم را در این زمینه یاری کنند.

اندیشمندان در خصوص مسأله حاضر، مقالات و کتب بسیاری را به رشته تحریر درآورده اند. اما بیشتر آنان تنها به بررسی مفهوم عفاف و تفاوت آن با حجاب پرداخته اند.

به طور مثال می توان به مقاله ای که تحت عنوان «گستره عفاف به گسترده گی زندگی»، توسط حمیده عامری به نگارش درآمده است اشاره نمود. این مقاله تنها به بررسی مفهومی عفاف و بیان اقسام آن پرداخته است.

یکی دیگر از پژوهش هایی که در این زمینه انجام گرفته «عفاف و حجاب در فضای مجازی»، اثر مصطفی علی مرادی است. این مقاله نیز تنها به بررسی عفاف در فضای مجازی پرداخته و اشاره ای به راهکارهای ایجاد عفت در جامعه نکرده است.

بررسی پیشینه بیانگر این مطلب است که تاکنون کسی به بررسی معنا و مفهوم عفت و حیا به صورت هم زمان و همچنین بیان راهکارهای نهادینه سازی این دو مؤلفه در جامعه اسلامی نپرداخته است و به همین منظور می توان گفت این نوشتار از نوآوری برخوردار است.

پرسش اصلی این نوشتار این است که عفت و حیا به چه معنا هستند و راهکارهای نهادینه سازی آن در جامعه اسلامی کدامند؟ پرسش های فرعی عبارتند از اینکه عفت به چه معناست؟ حیا به چه معناست؟ راهکارهای نهادینه سازی عفت و حیا در جامعه اسلامی چیست؟ هدف از نگارش این نوشتار پاسخ به تبیین معنا شناسی حیا و عفت و بررسی راهکارهای نهادینه سازی آن در جامعه نوین اسلامی است.

نویسنده در نگارش این نوشتار با مانع و محدودیت خاصی روبه رو نبوده است، از این رو این نوشتار کاری است مطالعاتی و کتابخانه ای و منابع مطالعه آن عموماً قرآن و کتب حدیثی و علوم اجتماعی است. بنابراین روش کار را باید تحلیلی توصیفی به حساب آورد.

۱- مفهوم شناسی

با توجه به موضوع مورد بحث، باید در ابتدا پیرامون معناشناسی دو واژه عفت و حیا بررسی دقیقی انجام گیرد. عفت یک خصلت و بینش و منش است که در تعالیم اسلامی به عنوان یکی از فضائل اخلاقی به شمار می رود و جایگاه والایی دارد. خودداری از کارهای حرام، از معانی عام عفاف است. از آنجایی که شرف و ارزش انسان در گرو به دست آوردن حقیقت انسانیت است پس راه رسیدن به این حقیقت و کمال دوری از گناه و معصیت و چشم پوشی و روگردانی از خواسته های نفسانی می باشد که اگر به این اصل توجه نگردد موجبات سقوط انسان و در نتیجه انحطاط جامعه فراهم می شود. حیا نیز از جمله صفاتی است که هم به خداوند نسبت داده می شود و هم بر آدمی اطلاق می گردد. البته این صفت در خداوند و بنده اشتراک لفظی است. کیفیت این صفت در آدمی و خداوند متفاوت است. حیا در خداوند معمولاً از گناه و لغزش های بندگان به سبب رحمتی که به بندگان دارد، ایجاد می شد. حیا در آدمی به سبب وقوع گناه و خطا که منجر به دوری و بُعد وی از پروردگارش، می شود.

به دلیل اهمیت بحث حیا و عفت، به بررسی دقیق این دو واژه از منظر لغت شناسان و اهل معنا پرداخته خواهد شد.

۱-۱- عفت در لغت

واژه «عَفَّت» در لغت به فتح عین و مصدر ماده «عَفَّ» می باشد که مصدر دیگر آن «عَفَّة» است و این دو مصدر به یک معنای واحد می باشند.^۱ در حقیقت می توان گفت عفاف و عفت در لغت به معنای خودداری کردن آمده اند. اعم از این که خودداری از حرام باشد یا از چیزی که حلال نیست.^۲ ابن منظور بر این باور است که:

«عَفَّتْ به معنای آن است که انسان خود را از آن چه حلال و

زیبا نیست و پست است، حفظ کرده و نگه دارد.»^۳

^۱ فراهیدی، العین، ج ۱، ص ۹۲.

^۲ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۳۳.

^۳ ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۵۳.

راغب اصفهانی در توضیح واژه عفت گوید: «عفت، به وجود آمدن حالتی برای نفس است که مانع از غلبه یافتن شهوت بر او می شود».^۱

دهخدا معتقد است: «عفت به معنای خویشتن داری زنان در مواجهه با افراد نامحرم و حفظ پاکدامنی است».^۲

۱-۲- عفت در اصطلاح

زندگی انسان در دو بعد قابلیت رشد و تکامل دارد. یکی بعد مادی و دیگری بعد معنوی است. از دایره اول برخورداری از رفاه، آسایش و سلامت جسم و پرورش آن می توان اشاره کرد. و از دایره کمالات معنوی، پرورش خصوصیات اخلاقی و انسانی بدست آوردن دانش و معرفت است. عفت و حیا نیز یکی از این خصلت هاست. پروا پیشگی همیشه برانسانها حاکم بوده، هم غار نشینان نخستین که با برگ درختان و پوست حیوانات خود را می پوشاندند هم در عصر کنونی.

بنابراین، این خصلت همیشه در انسان ها بروز داشته است. حیا و عفت تاریخ بردار نیست گرچه برای پوشش می توان تاریخ تعیین کرد. عفاف روح پوشش است و پوشش کالبد آن، عفاف فلسفه پوشش است و پوشش تضمین کننده آن.^۳

می توان چنین ادعا نمود که گستره مفهوم اصطلاحی عفت محدودتر از مفهوم لغوی آن است. توضیح آنکه چنان که در معنای لغوی گفته شد، عفت یعنی خودداری از هرگونه عمل زشت و ناپسند؛ اما در معنای اصطلاحی و نزد صاحب نظران علم اخلاق به معنای حفظ نفس در برابر شهوات جنسی و مال حرام بیان شده است. در حقیقت به معنای مطلق حفظ نفس در برابر هر زشتی نمی باشد؛ بلکه تنها خودداری در برابر شهوات جنسی و مال حرام مدّ نظر علمای اخلاق است. باید گفت عفت، یک ملکه نفسانی است که قوای شهوانی انسان را تحت اختیار عقل قرار داده و عقل را بر شهوت مسلط می گرداند. در نتیجه، تصرفات قوه شهویه وابسته به امر و نهی عقل می شود و دیگر نمی تواند انسان را از مسیر صحیح خود منحرف سازد.^۴

^۱ راغب اصفهانی، المفردات، ج ۲، ص ۶۱۸.

^۲ دهخدا، لغتنامه، ص ۴۹۱.

^۳ مهریزی، اسلام چه می دانیم؟، ص ۱۳۴.

^۴ اکبری، مروارید عفاف، ص ۲۸.

سنگینی برعهده دارند. خداوند متعال در سوره مبارکه نور درباره لزوم ازدواج جوانان این چنین بیان داشته است:

«وَأَنْكَحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» «مردان و زنان بی همسر تان و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید. اگر تهی دست اند، خدا آنان را از فضل خود بی نیاز می کند؛ و خدا بسیار عطا کننده و دانا است».^۱ در آیات مورد بحث به یکی دیگر از مهم ترین طرق مبارزه با فحشاء که ازدواج ساده و آسان، و بی ریا و بی تکلف است، اشاره شده، زیرا این نکته مسلم است که برای بر چیدن بساط گناه، باید از طریق اشباع صحیح و مشروع غرائز وارد شد، تعبیر «انکحوا» (آنها را همسر دهید)، با اینکه ازدواج یک امر اختیاری و بسته به میل طرفین است، مفهومی است که مقدمات ازدواج جوانان را فراهم سازید، در صورت نیاز از طریق کمک های مالی به میسر شدن این امر کمک کنید.^۲

قانون گذار جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی نیز به مسئله لزوم ازدواج جوانان و مهیا ساختن مقدمات آن اشاره داشته است. در اصل ۱۰ قانون اساسی این چنین مقرر گردیده است:

«از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد».^۳

موضوع تسهیل ازدواج جوانان در قوانین موضوعه کشور ایران از چنان اهمیتی برخوردار است که قانون جداگانه ای تحت عنوان «قانون تسهیل ازدواج جوانان» از سوی قانون گذار جمهوری اسلامی ایران تصویب شده است اما متأسفانه در مقام اجرا، از سوی مدیران اجرایی کوتاهی هایی صورت گرفته و در نتیجه منجر به بروز مشکلاتی شده که اکنون در جامعه قابل مشاهده است. در این قانون که مشتمل بر ۱۳ ماده است، به تمام مسائلی که در امر ازدواج جوانان تاثیر گذار است از جمله مسائل

^۱ نور: ۳۲.

^۲ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۵۸.

^۳ قانون اساسی، اصل ۱۰.

اقتصادی، شغلی و مسکن اشاره شده است. در مواد اول تا سوم این قانون این چنین مقرر گردیده است:

«ماده ۱- به منظور توانمند سازی جوانان برای تشکیل خانواده، دولت مکلف است صندوق اندوخته ازدواج جوانان را ایجاد نماید. اساس نامه صندوق شامل ماهیت صندوق، منابع مالی، ارکان، شرح وظایف صندوق و نحوه عضویت در آن ظرف سه ماه از تصویب این قانون توسط دولت تهیه و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه می شود.

ماده ۲- دولت مکلف است علاوه بر استفاده از منابع بودجه سنواتی پیش بینی شده، از محل صندوق اندوخته ازدواج جوانان، به مزدوجین نیازمند به اجاره مسکن، حسب تشخیص کمیته سامان ازدواج با توجه به امکانات صندوق، وام ودیعه مسکن پرداخت کند.

ماده ۳- با تأکید بر روش های انبوه سازی، کوچک سازی، ارزان سازی و استفاده از روش های نوین ساخت در امر مسکن، دولت مکلف است علاوه بر بهره مندی از تسهیلات متداول و رایج فعلی (انبوه سازی و اجاره به شرط نعلبک) از طریق نهادهای عمومی نظیر شهرداری و اوقاف و امور خیریه و با بهره گیری از همکاری و امکانات وزارت مسکن و شهر سازی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و استفاده از زمین های دولتی با زمین های اهدایی خیرین، واحدهای ساختمانی به عنوان مسکن موقت، احداث کرده و آنها را در اختیار زوج های جوان با اجاره مناسب قرار دهد. مدت استفاده هر زوج متقاضی از این واحدها حد اکثر سه سال است»^۱.

این قانون که در سال ۱۳۸۴ توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شده، به تأیید شورای نگهبان رسیده و به دولت ابلاغ گردیده است، همچنان بدون اجرا باقی مانده است. اگر این قانون در کشور اجرایی شود، بسیاری از مشکلات جوانان در امر ازدواج بر طرف شده و دیگر جوانان به سراغ ازدواج سفید و هم خانه شدن با جنس مخالف خود نمی روند؛ بلکه به صورت رسمی و کاملاً شرعی و قانونی تن به ازدواج داده و با همسر شرعی و قانونی خود به زندگی پرداخته و از آثار و برکات آن بهره مند خواهند شد.

^۱ قانون تسهیل ازدواج جوانان، مواد ۱-۳.

نتیجه گیری

عفاف در آموزه‌های دینی به‌عنوان یک ارزش شناخته می‌شود که از آن به منظور کنترل نمودن و برقراری تعادل در قوه شهویه انسان بهره گرفته می‌شود. عفت در زمینه‌های گوناگونی نمود پیدا می‌کند؛ اعم از عفت در پوشش، در نگاه، در کلام، در مراودات اجتماعی و در زینت بخشیدن و آرایش کردن خود. نهادینه ساختن فرهنگ عفاف آن در جامعه و گسترش آن در سطح اجتماع، نیاز به تلاش همگانی و عمومی دارد. جامعه‌ای که عفت در آن رواج یافته باشد، برای ارزش‌های دینی و الهی اهمیت ویژه‌ای قائل است و از این طریق می‌توان از ایجاد مفاسد اخلاقی و جنسی در جامعه پیشگیری کند.

برای ایجاد عفت در جامعه راهکارهای بسیاری وجود دارد که برخی از آنها در میان آیات قرآن بیان گردیده است و برخی دیگر نیز در روایات اهل بیت ذکر شده است. در شریعت اسلام و متون دینی به مواردی که رعایت آنها منجر به ایجاد عفت در جامعه می‌شود اشاره شده است. مانند: کنترل کردن چشم در نگاه به نامحرم، رعایت کردن پوشش خود در هنگام مواجهه با نامحرم، رعایت کردن نحوه سخن گفتن با افراد نامحرم، آرایش نکردن و استفاده نکردن از زینت‌ها در برابر نامحرم و رعایت نحوه ارتباط با افراد نامحرم. توجه به این موارد تأثیر به‌سزایی در ایجاد عفت در جامعه دارد. البته در این میان رسانه ملی نیز نقش مهم و غیرقابل انکاری در ترویج و گسترش فرهنگ عفاف در جامعه برعهده دارد. بدین منظور لازم است در برنامه‌های رسانه ملی به جایگاه زن و مرد و لزوم رعایت مرز و حریم میان نامحرم براساس آموزه‌های اسلامی و منابع دینی توجه ویژه‌ای شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم

- (۱) ابن بابویه، محمد بن علی، **من لا یحضره فقیه**، قم: موسسه نشر اسلامی، چاپ هفدهم، ۱۳۶۳ ش.
- (۲) ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، **تحف العقول عن آل الرسول (ص)**، قم: دار الحديث، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- (۳) ابن فارس، احمد بن، **معجم مقاییس اللغة**، بیروت: دار الفكر، چاپ اول، ۱۳۹۹ ق.
- (۴) ابن منظور، محمد بن منظور، **لسان العرب**، بیروت: دارصادر؛ دار بیروت، چاپ اول، ۱۳۷۵ ق.
- (۵) اکبری، محمود، **مروارید عفاف**، تهران: ظفر، چاپ سوم، ۱۳۹۱ ش.
- (۶) برقی، احمد بن محمد، **المحاسن**، قم: دار الکتب الاسلامیة، چاپ هجدهم، ۱۳۸۱ ش.
- (۷) پاینده، ابو القاسم، **نهج الفصاحه**، ترجمه: غلام حسین مجیدی خوانساری، قم: انصاریان، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
- (۸) جرجانی، سید شریف علی، **التعریفات**، چاپ چهارم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۱ ش.
- (۹) حرّ عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ بیست نهم، ۱۴۱۶.
- (۱۰) دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، تهران: موسسه انتشارات، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
- (۱۱) شجاعی، محمد، **درّ و صدف**، تهران: نشر محیی، چاپ دهم، ۱۳۷۶ ش.
- (۱۲) شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، چاپ اول، تهران: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۵ ش.
- (۱۳) طباطبایی، محمد حسین، **ترجمه تفسیر المیزان**، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: بنیاد علمی فرهنگی علامه طباطبائی، چاپ بیست و پنج، ۱۳۸۷ ش.
- (۱۴) طبرسی، امین الاسلام ابو علی فضل بن حسن، **تفسیر مجمع البیان**، چاپ اول، تهران: فراهانی، ۱۳۵۲ ش.

- (۱۵) عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: راه رشد، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
- (۱۶) فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، طبعه الاولى، ۱۴۰۸ ق.
- (۱۷) فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، **کتاب الوافی**، اصفهان: عطر عطر، چاپ اول، ۱۴۳۰ ق.
- (۱۸) قدوسی زاده، حسن، **نکته های ناب**، تهران: پاسدار اسلام، چاپ سوم، ۱۳۱۱ ش.
- (۱۹) قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، چاپ اول، تهران، مرکز فرهنگی در هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
- (۲۰) قرشی بنایی، علی اکبر، **قاموس قرآن**، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۰۷ ش.
- (۲۱) کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، **الکافی**، قم: دار الحدیث، الطبعة الثانی، ۱۴۳۰ ق.
- (۲۲) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، : **بحار الأنوار**، بیروت؛ دار إحياء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۴۰۳ ق.
- (۲۳) مطهری، شهید مرتضی، **تعلیم و تربیت در اسلام**، تهران: الزهراء، چاپ بیستم، ۱۳۶۲ ش.
- (۲۴) مغنیه، محمد جواد، **التفسیر المبین**، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۴۲۵ ق.
- (۲۵) مفردات راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات الفاظ القرآن**، چاپ اول، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۷ ق.
- (۲۶) مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ بیستم، ۱۳۵۳ ش.
- (۲۷) مهدوی کنی، محمد صادق، **از اسلام چه می دانیم؟**، تهران: مجمع صدقیه، چاپ اول، ۱۳۶۲
- (۲۸) نراقی، ملا محمد مهدی بن ابی ذر، **جامع السعادات**، بیروت: اعلمی، چاپ اول. ۱۳۱۲ ق.